

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال اول، شماره ۳ و ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۵

خانواده و رفتارهای ناهنجار نوجوانان

دکتر محمد حسین روان بخش - دکتر در جامعه‌شناسی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

چکیده

رفتارهای ناهنجار نوجوانان امروزه مسئله عمده‌ای در حوزه آسیب‌شناسی خانواده به شمار می‌رود. خانواده، جایگاه مهمی را در چارچوب نهادهای جامعه دارد و تنها نهادی است که وظیفه دگرگون کردن ارگانیزم زیستی و تبدیل آن به موجود انسانی را برعهده دارد. خانواده از طریق پایه‌ریزی الگوهای تربیتی و رفتاری خود و اجرای نقش‌های اجتماعی گوناگون و در یک کلمه از طریق شیوه‌های اجتماعی کردن، به درجات مختلف، هم‌نوايي با هنجارهای اجتماعی مورد پذیرش جامعه را در کودکان و نوجوانان درونی می‌سازد. در صورتی که خانواده‌ها به هر دلیلی نتوانند هنجارهای اجتماعی را به فرزندان خود انتقال و در آنها درونی سازند، احتمالاً رفتار فرزندان مطابق با هنجارهای جامعه نبوده و این رفتار از نظر جامعه، ناهنجار تلقی می‌شود. رفتارهای ناهنجار را باید مقدمه بزهکاری و انجام جرم تلقی نمود که خود از مصادیق ناکارآمدی نظام اجتماعی به شمار می‌رود. هدف اصلی این تحقیق، تعیین رابطه بین رفتارهای ناهنجار نوجوانان یا برخی از انواع خانواده (گسترده، هسته‌ای، ناقص، بی‌سازمان یا توخالی) می‌باشد و رابطه برخی انواع خانواده‌ها با برخی متغیرهای اجتماعی کردن نظیر اقتدار، انضباط و نظارت والدین، میزان درونی کردن هنجارها، پیروی از هنجارها و رفتار ناهنجار نوجوانان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نمونه آماری این تحقیق ۵۹۲ نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از بین ۴۴۹۳۹ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه نواحی پنجگانه آموزش و پرورش شهر تبریز در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ انتخاب شده‌اند. روش تحقیق پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه کتبی است. در این مطالعه بر اساس مدل نظری تحقیق و نتایج بدست آمده از انجام تحلیل عاملی اکتشافی رفتارهای ناهنجار نوجوانان در سه بعد رفتار ضد اجتماعی، رفتار ضد اخلاقی و ناسازگاری رفتاری تعریف شده است. نتایج بدست آمده از انجام آزمون‌های مختلف آماری از جمله، آزمون تفاوت میانگین، آزمون آنالیز واریانس و آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون وجود رابطه بین رفتارهای ناهنجار نوجوانان و عوامل موثر بر آن حاکی از این واقعیت است که تقریباً در تمام موارد، رابطه معنادار بین این متغیرها مشاهده می‌شود. علاوه معنی‌دار بودن مدل رگرسیونی برآزش شده در این مطالعه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: رفتار ناهنجار، خانواده، گونه‌شناسی خانواده، جامعه‌پذیری، نوجوانان.

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای از رشد آدمی است که با تغییر و تحول در زمینه‌های مختلفی همراه است. نوجوان نه تنها از نظر جسمانی و فیزیولوژیکی، بلکه از نظر اجتماعی، شناختی، اخلاقی و رفتاری و روابط اجتماعی با دیگران، تحول می‌یابد. دوره نوجوانی دارای وظایف اجتماعی گوناگونی است که با انجام این وظایف فرد به مرحله بزرگسالی انتقال می‌یابد. از جمله این وظایف، آماده شدن برای کسب استقلال از والدین، آمادگی برای تشکیل خانواده و قرار گرفتن در چرخه اقتصادی و یادگیری مجموعه‌ای از ارزشها و رفتارها و هنجارهای اجتماعی می‌باشد. بنابراین دوره نوجوانی، دوره‌ای است که فرد خود را برای پذیرفتن برخی نقش‌های اجتماعی متناسب با تحول رشد خود آماده می‌نماید. برای نیل به این هدف، یکی از وظایف عمده نوجوانی در ارتباط با روابط اجتماعی خود با جامعه و گروه‌های اجتماعی، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی و حفظ و حراست و اطاعت از نظام ارزش جامعه می‌باشد. با توجه به تحولات زیادی که در این مرحله رخ می‌دهد و توانایی‌ها و فرصت‌هایی که نوجوان در این زمان پیدا می‌کند شاید برای عده‌ای از نوجوانان گرایش به رفتارهای نابهنجار و عدم هم‌نوایی با هنجارهای مرسوم جامعه امری طبیعی و عادی باشد اما همین گرایش برای جامعه امری کاملاً غیرعادی می‌باشد. بر همین اساس این نوع رفتارها، یکی از معضلات اجتماعی قابل بررسی و پیگیری در جامعه است. بنابراین یک مشکل اجتماعی بسیار اساسی در جامعه همواره این بوده است که چرا برخی افراد جامعه به ویژه نوجوانان نمی‌توانند خود را با ارزشها و هنجارهای برخاسته از آن هم‌نوا سازند؟ آیا ممکن است خانواده به ویژه والدین، نتوانند، ارزشها و هنجارهای اجتماعی مورد قبول جامعه را به فرزندان (نوجوانان) انتقال داده و در آنها درونی سازند؟ با توجه به اینکه، خانواده‌ها از لحاظ شیوه‌های تربیتی، در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان از اقتدار، اصول انضباط و نظارت اجتماعی به درجات گوناگونی بهره می‌گیرند لذا در این مطالعه، رفتارهای نابهنجار در

رابطه با انواع خانواده یعنی خانواده گسترده خانواده هسته‌ای، خانواده ناقص یا غیر کامل و خانواده بی‌سازمان یا تو خالی، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. سوال اصلی این تحقیق این است که آیا بین نوع خانواده و رفتارهای نابهنجار نوجوانان رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا ممکن است گونه‌هایی از خانواده، جامعه‌پذیری نابهنجار نوجوانان را دچار اختلال سازند؟

هدف کلی این بررسی، «بررسی و تعیین رابطه بین رفتارهای نابهنجار نوجوانان با برخی انواع خانواده» می‌باشد. علاوه بر آن، اهداف ویژه این مطالعه عبارتند از:

- ۱- تعیین رابطه بین نوع خانواده با متغیرهای اقتدار، نظارت، انضباط، درونی کردن هنجارها، پیروی از هنجارها و بی‌سازمانی خانواده.
- ۲- مشخص نمودن برخی اثرات متغیرهای برخاسته از فرآیند اجتماعی کردن خانواده از جمله اقتدار، انضباط و نظارت والدین در بروز رفتارهای نابهنجار نوجوانان.

۱- مبانی نظری و روش شناسی

مبانی نظری و تجربی

در زمینه اهمیت خانواده در جامعه‌پذیری افراد در مقایسه با سایر کارگزاران جامعه‌پذیری، باید به چند ویژگی خانواده که در هیچ یک از کارگزاران دیگر وجود ندارد، اشاره کرد:

- **نوع رابطه.** اولین عاملی که موجب می‌شود خانواده تاثیر زیادی روی افراد داشته باشد، نوع رابطه‌ای است که بین خانواده و افراد آن وجود دارد. تاثیر خانواده زائیده رابطه خونی و مهر و عاطفه حقیقی است، در صورتی که رابطه او با دیگران، رابطه تلقینی است (قائمی، ۱۳۶۴، ۳۹).

- **اهمیت سال‌های اول زندگی.** خانواده در چند سال اول زندگی کودک، ارزشها، هنجارها و گرایش‌های خود را به کودک منتقل می‌کند.

- **تکوین شخصیت افراد.** خانواده در تکوین شخصیت افراد اثر عمیقی دارد، زیرا تجارب چند سال اول زندگی افراد که غالباً در محیط خانواده اتفاق می‌افتد، زیربنای شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد.

- **اولین تجربیات اجتماعی.** از آنجا که خانواده اولین پنجره ارتباطی کودک به جهان خارج است، معمولاً اولین تجربیات اجتماعی افراد در خانواده اتفاق می‌افتد. به این ترتیب، خانواده مهمترین واحد انتقال‌دهنده ارزشها و هنجارها به فرد است و نیازها و خواسته‌های جامعه را به او می‌آموزد و این شناخت او را به گزینش شیوه رفتاری معین و بارور نمودن شخصیتش رهنمون می‌سازد. پارسنز، کودک را به ریگی که پس از تولد به داخل استخر زندگی پرتاب می‌شود تشبیه نموده است. تاثیراتی که خانواده در کودک به جای می‌گذارد به این جهت حائز اهمیت است که او تا مدت زیادی به این گروه وابستگی دارد. در واقع رابطه نظام ارزشی جامعه با خانواده در دو مرحله تحقق می‌پذیرد: در مرحله اول نظام ارزشی جامعه، معیارهایی بوجود می‌آورد و بدان وسیله شیوه‌های رفتاری جامعه‌پسند را مشخص می‌کند، در مرحله دوم خانواده این معیارها را می‌پذیرد و آنها را در مراحل جامعه‌پذیری کودک به او منتقل می‌سازد. بنابراین، یکی از مهمترین کارکردهای خانواده، همنوایی کامل با ارزشهای اجتماعی است. زیرا نظام ارزشی جامعه، خانواده را متعهد می‌داند که اعضایش را به همنوایی با ارزشهای موجود وادارد. همچنین خانواده می‌باید اعضایش را با سایر خرده نظامهای اجتماعی نیز هم‌نوا سازد. (براین هراد، ۱۳۶۲، ۸۸). با توجه به اهمیت خانواده در جامعه‌پذیری افراد، والدین به انحای مختلف به طور مستقیم و غیرمستقیم در انتقال و درونی کردن ارزشها و هنجارهای اجتماعی به فرزندان خود موثر می‌باشند. مطالعات نشان داده که این امر به صورت مختلف زیر انجام می‌پذیرد:

۱- **تقلید و همانندسازی.** کودکان از والدین خود تقلید می‌کنند. این تقلید هم به صورت آگاهانه و هم بصورت ناآگاهانه انجام می‌گیرد. همیشه مدل ایده‌آل نقش

برای دختر، مادر و برای پسر، پدرش می‌باشد. البته نفوذ مدل والدین با رشد کودک به تدریج کاهش می‌یابد و آنها در میان تماسهای اجتماعی گسترده خود، مدل‌های دیگری پیدا می‌کنند، اما اهمیت والدین به عنوان اشخاصی که مورد تقلید قرار می‌گیرند، تقریباً هیچگاه به طور کامل از میان نمی‌رود (Hennessey, 1975, 114) برخی از پژوهشگران معتقدند که مفهوم تقلید نمی‌تواند به طور کامل عملی را که کودک انجام می‌دهد بیان کند و بنابراین از مفهوم همانندسازی استفاده می‌کنند. کودک در فرآیند همانندسازی با پذیرفتن و درونی کردن ارزشهایی که از مدل کسب کرده صاحب درکی می‌شود که می‌تواند از آن پس اعمال خود را با تامل و مطابق آن ارزشها انجام دهد.

۲- تلقین والدین. یکی دیگر از راههای مهمی که جامعه‌پذیری کودک را در خانواده موجب می‌شود، تلقین والدین است. این که چه چیز خوب است و چه چیز درست و چه چیز غلط، چه چیزی بی‌ارزش است و چه چیزی عالی، همه به وسیله دستورات و پندهای مستقیم، مراجعات غیرمستقیم و مثال‌های والدین به دست می‌آیند و به این وسیله والدین کودکان را مطابق ارزشها و عقاید خود تربیت می‌کنند (Hennessey, 1975, 174).

۳- تعمیم روابط خانوادگی به روابط اجتماعی. مطابق نظریه یادگیری اجتماعی، شخص با شناختن افراد بزرگسال پیرامون خود، الگوهای خاصی از رفتار آنها را جذب می‌کند.

مرور منابع تجربی

در زمینه منابع تجربی مربوط به موضوع باید گفت که اولاً بررسی‌های انجام شده نشان داد، مطالعه پژوهشی که صرفاً به موضوع مورد مطالعه تحقیق حاضر، پرداخته باشد، وجود ندارد، ثانیاً مطالعات تحقیقی موجود چه در داخل و چه در خارج از کشور

تنها از جهاتی خاص به موضوع مورد مطالعه این تحقیق پرداخته است. «کاردینر و لیتون» افراد را براساس میزان سازگاری به دو گونه تقسیم کرده‌اند گونه سازگار و گونه ناسازگار. به نظر این دو مبنای سازگاری را باید در «تربیت خانوادگی» جست. سازگاری یا ناسازگاری فرد بسته به شیوه‌هایی است که (خانواده) برای تربیت کودکان مقرر داشته است «کاردینر و لیتون» جامعه‌ها یا فرهنگ‌ها را از لحاظ پرورش کودک به دو دسته تقسیم می‌کنند، آنهایی که در کودک پروری، خشن یا مسامحه کارند و آنهایی که به حد کفایت از کودک مراقبت می‌کنند. وضع جامعه‌های نوع دوم برای پرورش انسان سازگار مساعد است ولی وضع جامعه‌های نوع اول معمولاً موجب ناسازگاری شخصیت می‌شود. (آریان‌پور، ۱۳۵۳، ۲۳۹). در مطالعه‌ای در آمریکا، که میزان بزهکاری در آن بسیار بالا بود، سه عامل در ارتباط با افزایش میزان بزهکاری شناخته شد که عبارت بودند از نخست، بی‌توجهی یا رسیدگی ناکافی به وسیله مادر یا جانشین وی؛ دوم، انضباط سهل‌گیرانه یا مستبد و سخت‌گیرانه، سوم فقدان انسجام خانوادگی. (ماسن پاول و دیگران، ۱۳۶۸). «بندورا و والترز» از مقایسه دویست و شصت پسر بزهکار و غیربزهکار از طبقه اجتماعی و بهره‌هوشی مشابه دریافتند که والدین پسران بزهکار نسبت به پسران غیر بزهکار طردکننده‌تر و کم‌محبت‌تر بودند (ماسن پاول و دیگران، ۱۳۶۸). بنابه مطالعات و تحقیقات «وست» و «فارینگتون» کودکان متعلق به والدین بی‌رحم، منفعل و سختگیر، احتمال ارتکاب بزه بیشتری را دارا می‌باشند (Gale, Chaman, 1989) در تحقیقی نشان داده شد که بین فرزندان بزهکار و والدین آنها، خصومت متقابل وجود دارد. والدین در مورد کودکان سهل‌انگاری می‌کنند و به آنها بی‌اعتنا هستند و اختلاف عقیده دارند (هیرشی ۱۹۶۹ به نقل از ماسن) «شاور» و «مک‌کی» بزهکاران نوجوان را با کودکان همسالی که به دبستان می‌رفتند مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که ۴۲/۵ درصد بزهکاران نوجوان و ۳۶/۱ درصد کودکان نوآموز همسن از میان خانواده‌های از هم پاشیده برخاسته بودند، این نسبت

تقریباً ۱/۸ در برابر ۱/۲ بوده است (کی نیا، ۱۳۷۵، ۲۲۱). «مساواتی» از مقایسه پنجاه نفر از نوجوانان بزهکار با پنجاه نفر از نوجوانان غیر بزهکار نتیجه می‌گیرد که پنجاه و هشت درصد خانواده‌های گروه بزهکار، گرفتار انواع مختلفی از، از هم گسیختگی روابط پدر - مادر بوده‌اند در صورتی که در گروه کنترل (غیربزهکار) میزان آن فقط سی و شش درصد بود. (مساواتی، ۳۱۴، ۱۳۷۴) یک مطالعه پژوهشی در شهر تهران نشان داده است که نهاد دوستان و نهاد خانواده نسبت به نهادهای دیگر، بیشترین تاثیر را در بی‌هنجاری رفتاری افراد مورد مطالعه داشته است. نتیجه این مطالعه نشان داده است که ضعف فضای کنترلی خانواده به عنوان یک نظام معیوب به جهت ناتوانی در کنترل اجتماعی اعضایش، زمینه نامطلوب را در محیط اجتماعی برای اعضایش به وجود می‌آورد. (مرجایی، ۱۳۷۵). یک پیمایش در زمینه اختلالات رفتاری دانش‌آموزان در یکی از شهرهای کشور، نشان می‌دهد که مخاطرات پیش آمده برای پدر چون فوت، ازدواج مجدد، ناسازگاری پدر نسبت به فرزندان، احساسات منفی فرزندان نسبت به پدر، خصومت متقابل در بین افراد خانواده و بی‌اعتنائی و بی‌احساسی در بین آنان، از مهمترین عوامل رفتارهای نابهنجار در بین جوانان دانش‌آموز به شمار می‌روند. (گروسی و سرندی، ۱۳۷۰). نتایج یک مطالعه پژوهشی بر روی نوجوانان ۱۰ الی ۱۸ ساله نشان داده است که نقش خانواده در بروز رفتارهای انحرافی بسیار موثر بوده است. در این پیمایش، برخی رفتارهای نابهنجار و انحرافی از قبیل دزدی، انحرافات جنسی و اعتیاد نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته و عوامل موثر در آن طبقه‌بندی، اختلالات شخصیتی، چگونگی گذران اوقات فراغت، روابط با دوستان و همکلاسان، روابط والدین و حوادث خانوادگی از عوامل مهم رفتارهای انحرافی کودکان ذکر شده است (احدی، ۱۳۶۶). «خدیبوی زندگی» در مطالعه‌ای با عنوان «پژوهش در ساختار شخصیت و خانواده بزهکار» به بررسی ترکیب و ساختار خانواده بزهکاران، آگاهی از شرایط اجتماعی و اقتصادی زندگی بزهکاران، جستجوی روابط احتمالی میان شرایط و ساخت خانواده با

ساخت شخصیتی بزهکاران و جستجوی روابط خانوادگی به ویژه روابط پدر و مادر بزهکاران پرداخته است و در نهایت عوامل خانوادگی موثر بر رفتار بزهکارانه نوجوانان را «بی‌توجهی والدین به تربیت فرزندان، سختگیری و شدت عمل والدین و تنبیه فرزندان و بی‌توجهی خانواده‌ها به ارزشهای مثبت دینی و اخلاقی» برمی‌شمارد (خدیبوی زندی، ۱۳۶۵). «جعفر سخاوت» در پژوهشی تحت عنوان «زمینه‌یابی ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه» ناهنجاری‌های اجتماعی را به دو دسته عام و خاص تقسیم کرده است. ناهنجاری‌های عام شامل اجتناب از غیبت غیرموجه، رعایت پوشش مناسب، عدم تخریب محیط زیست و احترام به مالکیت دیگران و ناهنجاری‌های خاص شامل رعایت حجاب در منزل و خارج از منزل، انجام فریضه نماز و . . . است. در این مطالعه اثر پیوستگی نوجوان با خانواده، با مدرسه و با جامعه بر میزان ناهنجاری‌پذیری نوجوانان مطالعه شده است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که هرچه پیوستگی نوجوان به خانواده، مدرسه و جامعه بیشتر باشد، رعایت ناهنجاری‌های اجتماعی بیشتر می‌شود. نیز در این مطالعه نشان داده شده است که ناهنجاری‌پذیری یک فرآیند فردی مخصوص برخی دانش‌آموزان نیست، بلکه یک فرآیند اجتماعی است که چگونگی جذب و انتقال آن از مشخصات خانواده دانش‌آموز، چگونگی روابط دانش‌آموز با خانواده، پنداشت دانش‌آموز از رعایت ناهنجاری‌ها توسط اعضای خانواده، مردم، جامعه و احساس پیوستگی دانش‌آموز با خانواده، مدرسه و جامعه متأثر می‌شود (سخاوت، ۱۳۷۶). در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران»، اثر پیوندهای عاطفی اعضای خانواده، گسستگی روابط اعضا، حمایت‌های عاطفی و روابط اخلاقی خانواده بر روی متغیر بزهکاری نوجوانان اندازه‌گیری شده است و در نهایت با محاسبه ضریب تعیین نهایی به میزان ۷۲٪ معادله رگرسیونی به دست آمده است (امانت، ۱۳۷۳). نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد، بسته بودن خانواده، منزوی بودن و بی‌سازمانی آن موجب روی آوردن به سبک‌های اجتماعی کردن بسته، استبدادی و غیرسازنده می‌شود، همچنین،

نوجوانانی دارای سازگاری بهتر هستند که از خود پنداره مثبت‌تر و مطلوب‌تری برخوردارند و به ویژه در خانواده‌های دوستانه و رابطه‌ای و در معرض فرآیند اجتماعی شدن بهتری به سر می‌برند و بالاخره سازگاری نوجوانان تا حدی بسته به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده است و متناسب آنها بسته به نوع تعامل خانواده، راهبرد تربیتی و سبک اجتماعی‌کننده والدین تعیین می‌شود (گلچین، ۱۳۷۸). به طور خلاصه می‌توان گفت، هنجارپذیری نوجوانان در مراحل اولیه زندگی تحت تاثیر چگونگی اعمال فرآیند اجتماعی کردن والدین صورت می‌گیرد و سبک‌ها و شیوه‌های مختلف اجتماعی کردن در میزان سازگاری نوجوانان بسیار نقش تعیین‌کننده دارد.

فرضیه های اصلی

- ۱- بین نوع خانواده‌ها و میزان رفتار نابهنجار نوجوانان رابطه‌ای وجود دارد.
- ۲- بین نوع خانواده‌ها و میزان درونی کردن هنجارها رابطه‌ای وجود دارد.
- ۳- بین نوع خانواده‌ها و میزان پیروی از هنجارها رابطه‌ای وجود دارد.
- ۴- بین میزان درونی کردن هنجارها به وسیله نوجوانان و رفتار نابهنجار آنان رابطه‌ای وجود دارد.
- ۵- بین میزان پیروی کردن از هنجارها به وسیله نوجوانان و رفتار نابهنجار آنان رابطه‌ای وجود دارد.
- ۶- بین میزان بی‌سازمانی خانواده نوجوان و رفتار نابهنجار آنان رابطه‌ای وجود دارد.

روش

تعریف مفاهیم و مقیاس سازی

متغیر وابسته

رفتار نابهنجار نوجوانان، اصلی‌ترین موضوع یا متغیر وابسته موردتوجه در این مقاله است. در بررسی حاضر، منظور از رفتار نابهنجار، رفتاری است که به میزان قابل

توجهی از یک معیار فرهنگی یا هنجار گروهی دور شده باشد. میزان گرایش به آن نوع رفتار در بین نوجوانان مورد مطالعه، مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری رفتار نابهنجار نوجوانان که متغیر وابسته می‌باشد با توجه به ابعاد آن از ۱۲ گویه استفاده شده است. برای مشخص کردن ابعاد مختلف رفتار نابهنجار نوجوانان و متغیرهای اصلی آن از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کرده‌ایم، جدول شماره ۱ نتایج و اجزای تحلیل عاملی و تحلیل روایی گویه‌های مربوط به رفتار نابهنجار را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج و اجزای تحلیل عاملی و تحلیل روایی گویه‌های مربوط به رفتار

نابهنجار نوجوانان

عامل	عناوین	گویه‌ها	بار عاملی	واریانس تبیین شده	مقادیر ویژه	آلفای کرونباخ	آلفای کل گویه‌ها
۱	رفتار ضد اجتماعی	- سیگار کشیدن	۰/۷۷	۲۶/۳۰	۳/۱۶	۰/۷	۷۲/۵
		- فحاشی	۰/۷۵				
		- درگیری داشتن	۰/۵۸				
		- خسارت زدن	۰/۳۸				
۲	ناسازگاری	- فرار از مدرسه	۰/۷۶	۱۱/۳۵	۱/۳۶	۰/۷۱	
		- غیبت از مدرسه	۰/۷۲				
		- فرار از خانه	۰/۶۹				
		- دزدی در مدرسه					
۳	رفتار ضد اخلاقی	- آزار والدین	۰/۷۲	۹/۷۶	۱/۱۷	۰/۷	
		- مجلات غیراخلاقی خواندن	۰/۶۶				
		- دوستی نامشروع	۰/۶۰				
		- تقلب در امتحان	۰/۴۰				

Sig=۰/۰۰۰	df=۶۶	Bts=۱۰۲۶/۹۳۱	KMO =۰/۷۹۲
-----------	-------	--------------	------------

متغیرهای مستقل

هریک از متغیرهای مستقل، پس از تعاریف نظری با مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معرف‌های مناسب مرتبط به هم در قالب مقیاس یک بعدی یا چند بعدی قابل اندازه‌گیری شده و در صورت قابل قبول بودن نتایج ارزیابی روایی و اعتبار آنها مورد استفاده قرار گرفته است.

در این مقاله، خانواده، یک نظام اجتماعی هدفدار، سازمان یافته و پویاست که فعالیت اساسی آن پدید آوردن و اجتماعی کردن فرزندان (نوجوانان) است منظور از گونه‌شناسی خانواده، شناخت گونه‌های خانواده است با توجه به مشخصات آنها و براساس معیارهای خاص. در مطالعه حاضر، معیارهای این طبقه‌بندی عبارتند از: میزان اعمال اقتدار، نظارت و انضباط والدین، تعداد اعضای خانواده و نسل، میزان حضور والدین در خانواده، چگونگی ایفای وظایف و نقش‌های والدین و وضعیت فضای اجتماعی خانواده. در جدول (۲) متغیرهای مستقل، تعریف، تعداد شاخص‌ها نتایج و آزمون پایایی هر کدام به تفکیک آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

همانطوری که ملاحظه می‌شود برای سنجش میزان پایایی (Reliability) متغیرهای ترکیبی که با بیش از یک شاخص قابل اندازه‌گیری شده‌اند از آزمون آلفای کرونباخ و در یک مورد از آزمون تای. بی. کندال و برای ارزیابی میزان اعتبار (Validity) از روش اعتبار محتوی استفاده شده است.

کاربرد تکنیک تحلیل عامل و پیش آزمون پرسشنامه و اصلاح پرسش‌ها و مقیاس‌ها در ارتقای میزان روایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری موثر بوده است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه نواحی پنجگانه آموزش و پرورش شهر تبریز به تعداد ۴۴۹۳۹ نفر بوده و نمونه آماری شامل ۵۹۲ نفر دانش‌آموز می‌باشد که بر اساس فرمول تعیین حجم کوکران انتخاب گردیده، شیوه نمونه‌گیری هم، نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده می‌باشد. داده‌های موردنیاز با تکنیک پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و با استفاده از تکنیک‌های آماری از جمله میانگین، واریانس، تحلیل واریانس، آزمون تی، تحلیل چند متغیره مانند تحلیل رگرسیونی، تحلیل مسیر، علاوه بر توصیف و آزمون فرضیه‌ها، سهم هریک از عوامل در تبیین و پیش‌بینی متغیر وابسته تعیین و مشخص شده است.

توصیف و تحلیل داده‌ها

توصیف داده‌ها

وضعیت نوع خانواده نوجوانان

نمونه آماری این تحقیق از میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تبریز انتخاب شده است و بیشترین فراوانی را خانواده هسته‌ای شامل می‌شود و این میزان نشان‌دهنده این واقعیت است که نوجوانان مورد مطالعه اکثراً دارای خانواده هسته‌ای بوده‌اند (۸۲/۴ درصد) حدود ۴۹ نفر معادل ۸/۳ درصد نمونه آماری دارای خانواده گسترده می‌باشند. همچنین ۶/۸ درصد پاسخگویان را خانواده ناقص و ۲/۵ درصد بقیه را خانواده بی‌سازمان شامل می‌شود.

وضعیت حضور پدر دانش‌آموزان در خانواده

نتایج مربوط به متغیر نوع حضور پدر در خانواده دانش‌آموزان در نمونه آماری نشان می‌دهد که ۶/۶ درصد از دانش‌آموزان فاقد پدر بوده‌اند و پدر آنان در خانواده‌شان حضور نداشته است و ۱۲/۳ درصد پدران دانش‌آموزان به علت شرایط شغلی در خانواده کمتر حضور داشته است. همچنین ۷۸/۷ درصد پدران دانش‌آموزان در خانواده حضور داشته است. حدود ۲/۴ درصد از پاسخگویان به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

تعداد اعضای خانواده

تعداد اعضای خانواده دانش‌آموزان مورد مطالعه بین ۲ تا ۱۰ نفر به بالا هستند و بیشترین تعداد فراوانی مربوط به خانواده‌های ۵ نفره (۹۲/۲ درصد) می‌باشد. همچنین فراوانی خانواده‌های ۴ نفره دانش‌آموزان نیز ۱۳۸ نفر بوده است که اینان نیز ۲۳/۳ درصد از کل پاسخگویان را شامل می‌شوند آماره‌های ذیل نشان می‌دهد که میانگین تعداد اعضای خانواده دانش‌آموزان مورد مطالعه در حدود ۶ نفر بوده است.

آماره‌های توصیفی پیروی از هنجارها

این شاخص توسط ۶ سوال ۵ گزینه‌ای در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است نمره ۱۰۰ بیانگر حد بالایی از هنجارها توسط نوجوان است و عدد ۳۳/۳۳ بیانگر سطح پایین پیروی از هنجارها توسط نوجوان است. میانگین متغیر فوق‌الذکر ۸۳/۸۲ می‌باشد که نشان‌دهنده سطح بالای پیروی از هنجارها توسط نوجوانان می‌باشد.

آماره‌های توصیفی انضباط خانواده

این متغیر توسط ۴ سؤال ۵ گزینه‌ای بعد از کدگذاری و جمع بستن این سؤالات، به دست آمد. نمره صفر بیانگر انضباط پایین خانواده و نمره ۱۰۰ نشانگر اعمال انضباط بالا توسط خانواده بر نوجوانان است. میانگین متغیر مذکور ۶۷/۵۵ است که بیانگر انضباط اعمال شده در حد بالا بر نوجوانان از سوی خانواده آنهاست.

آماره‌های توصیفی درونی کردن هنجارها

این شاخص ۶ سوال ۶ گزینه‌ای را شامل می‌شود و نمره ۱۰ نشانگر سطح پایین درونی کردن هنجارها توسط نوجوانان است و عدد ۱۰۰ بیانگر سطح بالای درونی کردن هنجارها می‌باشد میانگین متغیر مذکور ۷۹/۲۶ نشان‌دهنده سطح متوسط بالای متغیر درونی کردن هنجارهاست.

آماره‌های توصیفی اقتدار خانواده

این شاخص ۳ سوال ۵ گزینه‌ای را شامل می‌شود و نمره ۱۰۰ در اینجا نشان‌دهنده اقتدار کامل خانواده نوجوانان و نمره ۸/۳۳ بیانگر اقتدار کم است. میانگین این متغیر به مقدار ۶۸/۷۳ است که حد متوسط به بالایی از اقتدار خانواده نوجوانان را نشان می‌دهد.

آماره‌های توصیفی کنترل خانواده

این شاخص از ۲ سوال ۴ گزینه‌ای تشکیل شده است نمره ۷۵ در اینجا نشانگر کنترل زیاد خانواده و نمره صفر بیانگر کنترل کم خانواده نوجوانان است میانگین این متغیر به مقدار ۳۴/۸۰ می‌باشد که حد پایینی از کنترل خانواده نوجوانان را نشان می‌دهد.

آماره‌های توصیفی بی‌سازمان خانواده

این شاخص از ۶ سوال ۴ و ۶ گزینه‌ای تشکیل شده است. نمره ۱۰۸/۳۳ در اینجا بیانگر حد بالای بی‌سازمانی و نمره ۴/۱۷ نشان‌دهنده حد پایین بی‌سازمانی خانواده می‌باشد. میانگین این متغیر به مقدار ۳۵/۷۰ است که نسبت مناسبی از میزان بی‌سازمانی خانواده‌های مورد مطالعه را بیان می‌کند.

تحلیل داده‌ها

بررسی رابطه بین نوع خانواده و رفتارهای نابهنجار نوجوانان، درونی کردن هنجارها و پیروی از هنجارها.

- رابطه بین نوع خانواده و رفتارهای نابهنجار در میان نوجوانان مورد مطالعه مورد آزمون قرار گرفت که نتیجه آزمون بیانگر وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است. بیشترین میزان رفتار نابهنجار نوجوانان متعلق به خانواده بی‌سازمان (۴۲/۳ درصد) و کمترین میزان آن در خانواده‌های هسته‌ای به میزان ۲۷ درصد می‌باشد.

- بین دورنی کردن هنجارها و رفتارهای نابهنجار نوجوانان، رابطه معنی‌داری وجود دارد، هر چقدر نوجوانان هنجارها را درونی کنند، رفتار نابهنجار آنان نیز به همان اندازه کاهش می‌یابد. بنابراین رابطه بین این دو متغیر، رابطه معکوس است.

- بین پیروی از هنجارها و رفتارهای نابهنجار نوجوانان، رابطه معنی‌داری وجود دارد به این صورت که هر قدر نوجوانان از هنجارهای اجتماعی پیروی کنند، رفتار نابهنجار آنها نیز به همان اندازه کاهش می‌یابد.

نوع خانواده و رفتار نابهنجار نوجوانان

برای آزمون فرضیه رابطه بین دو متغیر از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج حاصله از آزمون فوق برای متغیرهای مذکور نشان می‌دهد که رفتار نابهنجار نوجوانان در میان خانواده‌های مختلف، متفاوت است و همانطور که جدول آنالیز واریانس نشان می‌دهد، درجه معنی‌داری بدست آمده به میزان $\text{Sign} = 0/003$ است که برابر با آلفای مورد قبول و احتمال خطا می‌باشد. علاوه بر این نتایج آزمون پسین (LSD) به لحاظ ناهمسان بودن تعداد گروه‌های موردنظر و حداکثر تفاوت معنی‌دار در مقایسه میانگین رفتار نابهنجار نوجوانان در میان خانواده‌های مختلف، موید مطلب فوق می‌باشد.

همچنانکه جداول بعدی نشان می‌دهد، بیشترین میزان رفتار نابهنجار در میان نوجوانان دارای خانواده بی‌سازمان با میانگین ۴۲/۳ درصد مشاهده شده است و کمترین میزان نابهنجار در میان نوجوانان دارای خانواده هسته‌ای با میانگین ۲۷ درصد مشاهده شده است.

بدین ترتیب می‌توان گفت که میانگین رفتار نابهنجار نوجوانان در میان خانواده‌های مختلف به طور معنی‌داری متفاوت است. همچنین آزمون یکنواختی واریانس‌ها برای متغیر نوع خانواده نشان می‌دهد که واریانس شاخص‌های آماری در میان خانواده‌های مختلف متفاوت می‌باشد و لذا فرض یکنواختی واریانس‌ها، رد می‌گردد با توجه به توضیحات فوق، جداول بعدی به ترتیب آماره‌های توصیفی، آزمون آنالیز واریانس، و نتایج آزمون آماری LSD را نشان می‌دهد:

جدول ۳- آماره‌های توصیفی رفتار نابهنجار نوجوانان به تفکیک نوع خانواده

نوع خانواده	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار
هسته‌ای	۴۷۲	۲۷	۱۴/۵	۰/۶۶
گسترده	۴۴	۲۸/۲	۱۸/۴	۲/۸
ناقص	۳۸	۲۹/۱	۱۴/۷	۲/۴
بی‌سازمان	۱۵	۴۲/۲	۱۶/۴	۴/۲
کل	۵۶۹	۲۷/۶	۱۵/۱	۰/۶۳

جدول ۴- آزمون آنالیز واریانس یکطرفه «رفتار نابهنجار به تفکیک نوع خانواده»

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معنی‌داری
بین گروهی	۳۶۰۳/۵	۴	۹۰۰/۹	۴/۰۳۷	۰/۰۰۳
درون گروهی	۱۲۶۵۴۲/۸	۵۶۷	۲۲۳/۲		
کل	۱۳۰۱۴۶/۳	۵۷۱			

جدول ۵- آماره‌های مربوط به آزمون آماری LSD مقایسه‌های چندگانه

معنی‌داری	اشتباه معیار	اختلاف میانگین	خانواده J	خانواده I	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۴/۹	-۲۶/۴	هسته‌ای		
۰/۰۰۰	۵/۶	-۲۵/۶	گسترده	بی‌سازمان	رفتار نابهنجار
۰/۰۰۰	۵/۷	-۳۱/۳	ناقص		

به طوری که از جدول (۵) برمی آید، خانواده بی‌سازمان نسبت به سه نوع خانواده دیگر بیشترین تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد.

نوع خانواده و درونی کردن هنجارها

به منظور آزمون رابطه بین نوع خانواده و درونی کردن هنجارها، از آزمون آنالیز واریانس استفاده کرده‌ایم. نتایج حاصله از آزمون عدم وجود رابطه بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. درجه معنی‌داری بدست آمده از این دو متغیر برابر ۰/۸۴۳ است. براساس اطلاعات به دست آمده میانگین درونی کردن هنجارها در بین خانواده‌های هسته‌ای، گسترده، ناقص و بی‌سازمان بترتیب برابر، ۷۹/۴، ۷۸/۷، ۸۰، ۷۷/۵ است و میانگین کل آن برای همه خانواده‌ها ۷۹/۳ درصد است که میزان بالای درونی کردن هنجارها در بین نوجوانان مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۶- آنالیز واریانس یکطرفه درونی کردن هنجارها به تفکیک نوع خانواده

معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	درونی کردن هنجارها
۰/۸۴۳	۰/۳۵۱	۷۰/۴	۴	۲۸۱/۶	بین گروهی	۱
		۲۰۰/۴	۵۷۷	۱۱۵۶۵۰/۱	درون گروهی	
			۵۸۱	۱۱۵۹۳/۶	کل	

همانطور که از مندرجات جدول فوق برمی آید، تفاوت معنی‌داری بین خانواده‌ها از نظر درونی کردن هنجارها وجود ندارد.

نوع خانواده و پیروی کردن از هنجارها

برای آزمون رابطه بین متغیرهای موردنظر، از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج این آزمون حاکی است که میزان پیروی کردن از هنجارها به

وسیله نوجوانان در خانواده‌های مختلف متفاوت است. درجه معنی‌داری به دست آمده برابر $0/003$ است که برابر با آلفای مورد قبول و احتمال خطاست. نتیجه آزمون LSD هم همین نظر را تأیید می‌کند.

میانگین پیروی کردن از هنجارها در بین خانواده‌ها به ترتیب برابر خانواده هسته‌ای ($84/3$)، گسترده ($82/8$)، ناقص ($82/5$) و بی‌سازمان ($71/7$) است و میانگین آن برای همه خانواده‌ها $83/8$ درصد می‌باشد که سطح بالایی از پیروی از هنجارها بوسیله نوجوانان مورد مطالعه را بیان می‌دارد. در جدول زیر، آماره‌های توصیفی، نتایج آزمون آنالیز واریانس و نتایج آزمون آماری LSD گزارش شده است.

جدول ۷- آماره‌های توصیفی مربوط به پیروی کردن هنجارها به تفکیک نوع خانواده‌ها

متغیر	نوع خانواده	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار
پیروی کردن از هنجارها	هسته‌ای	۴۷۸	۸۴/۳	۱۲/۵	۰/۵۷
	گسترده	۴۴	۸۲/۷	۱۳/۹	۱/۲
	ناقص	۳۶	۸۲/۵	۱۳/۸	۲/۳
	بی‌سازمان	۱۴	۷۱/۷	۱۵/۲	۴
	کل	۵۷۲	۸۳/۸	۱۲/۹	۰/۵۴

جدول ۸- آزمون آنالیز واریانس یکطرفه پیروی کردن هنجارها به تفکیک نوع خانواده

معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	پیروی کردن هنجارها
ی		ت				

۰/۰۰۳	۳/۹۸۵	۶۴۹/۵ ۱۶۲/۹	۴ ۵۷۰ ۵۷۴	۲۵۹۷/۹ ۹۲۸۸۷/۴ ۹۵۴۸۵/۴	بین گروهی درون گروهی کل	۱
-------	-------	----------------	-----------------	------------------------------	-------------------------------	---

جدول ۹- آماره‌های مربوط به آزمون آماری LSD مقایسه‌های چندگانه

متغیر وابسته	خانواده I	خانواده J	اختلاف میانگین	اشتباه معیار	معنی‌داری
		هسته‌ای	-۱۲/۶	۳/۵	۰/۰۰۱
پیروی از هنجارها	بی‌سازمان	گسترده	-۱۱/۱	۳/۹	۰/۰۰۵
		ناقص	-۱۰/۸	۴	۰/۰۰۸

همانطوری که اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری از نظر پیروی کردن هنجارها در بین نوجوانان خانواده‌های مختلف وجود دارد.

متغیر درونی کردن هنجارها و رفتار نابهنجار در میان نوجوانان

یکی از مهمترین متغیرهای اجتماعی موثر بر رفتار نابهنجار نوجوانان در این پژوهش، متغیر درونی کردن هنجارها می‌باشد. با توجه به اینکه هر دو متغیر فوق در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون رابطه‌این متغیر استفاده شده است. نتایج حاصله موید این مطلب است که بین دو متغیر مذکور رابطه معنی‌داری در سطح $\text{Sign} = 0/000$ وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر مقدار $-0/375$ را نشان می‌دهد که حاکی از همبستگی تقریباً متوسطی بین این دو متغیر می‌باشد و جهت آن منفی است هر چقدر نوجوانان هنجارها را درونی کنند و بپذیرند، رفتار نابهنجار آنان نیز کاهش می‌یابد.

جدول ۱۰- ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنی‌داری متغیرهای درونی کردن هنجارها و رفتار نابهنجار

متغیر وابسته		متغیر مستقل	
		درونی کردن هنجارها	
رفتار نابهنجار		ضریب همبستگی	۰/۳۷۵**
		سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰
		تعداد مشاهدات	۵۷۲

** معنی‌داری در سطح احتمال ۰/۰۱

متغیر پیروی از هنجارها و رفتار نابهنجار در میان نوجوانان

برای سنجش این متغیر ۶ سوال پنج گزینه‌ای مطرح شد که باهم مسیر شدن و جمع بستن آنها، پیروی از هنجارها در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شد. ضریب همبستگی پیرسون برای آزمودن رابطه بین این دو متغیر استفاده شد. نتایج بدست آمده از آزمون فوق بیانگر این واقعیت است که بین دو متغیر پیروی از هنجارها و رفتار نابهنجار در میان نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر مقدار $-۰/۴۷۲$ را نشان می‌دهد که همبستگی متوسطی را بین دو متغیر مذکور نشان می‌دهد و جهت آن منفی و معکوس می‌باشد. یعنی با افزایش پیروی از هنجارها توسط نوجوانان رفتار نابهنجار آنان نیز کاهش می‌یابد.

متغیر بی‌سازمانی خانواده و رفتار نابهنجار نوجوانان

نتایج حاصله از آزمون رابطه بی‌سازمانی خانواده و رفتار نابهنجار نوجوانان موید این است که بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد، چرا که سطح معنی‌داری به دست آمده این دو متغیر $۰/۰۰۰$ می‌باشد که از سطح معنی‌داری مورد قبول در تحقیقات علوم اجتماعی کوچکتر می‌باشد.

ضریب همبستگی مشاهده شده بین دو متغیر فوق‌الذکر به مقدار $۰/۲۸۵$ است که نشان از رابطه متوسط و مثبت بین این دو متغیر می‌دهد. یعنی بی‌سازمانی خانواده

و رفتار نابهنجار به طور همگام در حد متوسط باهم افزایش پیدا می‌کند و با افزایش بی‌سازمانی خانواده‌ها، رفتار نابهنجار نوجوانان نیز افزایش می‌یابد و باهم رابطه مثبت و مستقیم دارند.

نتایج تحلیل‌های چندمتغیری تحقیق

در پژوهش حاضر با استفاده از رگرسیون چند متغیره، به تبیین واریانس متغیر وابسته از طریق برآورد سهم هر متغیر مستقل در این واریانس پرداخته شده است. جدول زیر آماره‌های مربوط به تحلیل رگرسیونی، تحلیل واریانس مربوط به مدل رگرسیونی و آماره‌های مربوط به متغیر مستقل مدل رگرسیونی رفتار نابهنجار را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱- آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره رفتار نابهنجار

ضریب همبستگی چندگانه	(Multiple R)	۰/۵۵۶
ضریب تبیین	(R Square)	۰/۳۰۹
ضریب تبیین تصحیح شده	(Adjusted R Square)	۰/۳۰۳
اشتباه معیار	(Standard Error)	۱۲/۴۸۷۰
آزمون دوربین - واتسون	(Durbin- Watson test)	۱/۸۵۳

جدول ۱۲- تحلیل واریانس رگرسیون چندمتغیره رفتار نابهنجار

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت F	سطح معنی داری
رگرسیون	۴	۳۲۲۳۴/۱۷۴	۸۰۵۸/۵۴۳	۵۱/۶۸۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۴۶۶	۷۲۰۳۷/۹۶۱	۱۵۵/۹۲۶		

نتایج تحلیل رگرسیونی عوامل تبیین‌کننده رفتار نابهنجار در میان نوجوانان نشان می‌دهد که از میان متغیرهای وارد شده در معادله، مجموعاً چهار متغیر در مدل نهایی باقی مانده‌اند که این متغیرها ۳۰/۹ درصد واریانس متغیر وابسته (رفتار نابهنجار نوجوانان) را تبیین می‌کنند.

ضریب نهایی رگرسیون چندگانه ۰/۵۵۶ است که مجذور آن یعنی «ضریب تبیین»^۱ $R^2 = ۳۰۹$ بیانگر درصد تغییرات تبیین شده توسط متغیرهای مستقل وارد در معادله می‌باشد.

نده^۲ برابر با $R^2 = ۰/۳۰۳$ می‌باشد. بنابراین

لاح شده میزان تبیین تغییرات متغیر وابسته

توسط متغیرهای مستقل ۳۰/۳ درصد می‌باشد.

نتایج حاصله از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای موجود در مدل را می‌توان در معادله زیر نشان داد:

$$Y = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + e$$

(بی‌سازمانی خانواده) $+ ۰/۱۱۴$ (اقتدار والدین) $- ۰/۱۳۴$ (درونی کردن هنجارها)

$- ۰/۲۱۹$ (پیروی از هنجارها) $= ۰/۳۲۴$ رفتار نابهنجار

همانطور که معادله فوق نشان می‌دهد، متغیر وابسته (رفتار نابهنجار) بیشتر از هر متغیر دیگری از متغیر پیروی از هنجارها متاثر می‌باشد. بعد از این متغیر، متغیر درونی کردن هنجارها که نقش دوم را در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته به خود اختصاص داده است. بعد از این متغیر، متغیر اقتدار خانواده نوجوانان قرار دارد و بعد از آن نیز بی‌سازمانی خانواده بیشترین نقش را در تبیین متغیر وابسته دارد.

جدول ۱۳- آماره‌های مربوط به متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی (رفتار نابهنجار)

^۱- R Aqure

^۲- Adjusted R Squire

متغیرهایی که در مدل نهایی باقی مانده اند					
نام متغیرها	B	SE B	Beta	T	Sig T
پیروی از هنجارها	-۰/۳۶۸	۰/۰۵۰	-۰/۳۲۴	-۷/۳۱۷	۰/۰۰۰
درونی کردن هنجارها	-۰/۲۳۴	۰/۰۴۳	-۰/۲۱۹	-۵/۴۰۱	۰/۰۰۰
اقتدار خانواده	-۰/۱۰۳	۰/۰۳۷	-۰/۱۳۴	-۲/۷۵۵	۰/۰۰۶
خانواده بی‌سازمان	۰/۱۱۰	۰/۰۴۴	-۰/۱۱۴	۲/۴۹۸	۰/۰۱۳

جدول ۱۴- آماره‌های مربوط به متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی «رفتار نابهنجار» (متغیرهایی که وارد مدل نشده‌اند)

متغیرهایی که در مدل نهایی باقی مانده اند					
نام متغیرها	Beta In	Partial Correlation	Min Tolerance	T	Sig T
انضباط خانواده	۰/۰۶۶	۰/۰۷۶	۰/۹۳۲	۱/۶۴۵	۰/۱۰۱
کنترل خانواده	-۰/۰۰۸	-۰/۰۱۰	۰/۹۵۵	-۰/۲۰۵	۰/۸۳۸

به منظور بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی بر متغیر وابسته از دیاگرام تحلیل مسیر استفاده شد. در این مدل حاصل تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و وابسته به شرح زیر تقسیم شده است:

- تأثیر مستقیم پیروی از هنجارها به رفتار نابهنجار $-۰/۳۲$ است که تأثیر معکوس می‌باشد.
- تأثیر مستقیم اقتدار والدین بر رفتار نابهنجار $-۰/۱۳$ است که تأثیرش معکوس است یعنی با افزایش اقتدار والدین، احتمال بروز رفتار نابهنجار کاهش می‌یابد.


نتیجه‌گیری از تحلیل داده‌ها

براساس نتایج حاصله از مرور منابع نظری و تجربی و یافته‌های بدست آمده از تحلیل‌های چندمتغیری انجام شده در این پژوهش می‌توان گفت که رفتار نابهنجار نوجوانان نه معلول عقب ماندگی ذهنی و سایر نقص‌های جسمانی و روانی بلکه بیشتر معلول شرایط اجتماعی و خانوادگی افراد است. زیرا جوامع، فرهنگ‌ها و خانواده‌ها از لحاظ شیوه‌های تربیتی در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان از اقتدار، انضباط و نظارت خانوادگی به درجات گوناگونی بهره می‌گیرند.

«برحسب تصور برخی روانشناسان چنانچه فرض کنیم که اساس شخصیت انسانی بطور زیست‌شناختی، مستقل از درگیری آن با نظام اجتماعی معین می‌شد دیگر برای تولید احتیاجی به سازمان خانواده وجود نمی‌داشت، اما وجود خانواده از آن جهت ضروری است که شخصیت انسان از طریق فرآیند اجتماعی شدن ساخته می‌شود بنابراین دو کارکرد اساسی و تقلیل‌ناپذیر خانواده عبارتند از نخست، اجتماعی کردن

اولیه فرزندان به طوری که آنان بتوانند حقیقتاً به صورت عضوی از جامعه‌ای در آیند که در آن متولد شده‌اند، دوم، تثبیت شخصیت بزرگسالان جمعیت یک کشور» (Parsons, Bales, 1955) روابط بین کودکان، نوجوانان و والدین را می‌توان به عنوان نظام یا شبکه‌ای از بخش‌هایی دانست که در کنش متقابل با یکدیگرند. به نظر اکثر صاحب‌نظران اجتماعی، آسیب‌های رفتاری، از مصادیق ناکارآمدی نظام اجتماعی به شمار می‌رود و در پس رفتارهای انحرافی و نابهنجار، نوعی عدم قبول جامعه وجود دارد، و از طرفی، خانواده با همه آسیب‌های اجتماعی ارتباط دارد و از دیدگاهی خانواده معیار شناخت و سنجش آسیب‌های اجتماعی است. در این مطالعه مشخص گردید که نوع خانواده از نظر ساختار و کارکرد در بروز رفتارهای نابهنجار نوجوانان موثر می‌باشد. به طوریکه بیشترین تعداد نوجوانانی که دارای رفتار نابهنجار بودند (۴۲/۳ درصد) متعلق به خانواده‌های بی‌سازمان بودند. «شاو و مک کی» هم در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که ۴۲/۵ درصد از بزهکاران نوجوان از میان خانواده‌های از هم پاشیده برخاسته بودند (کی نیا، ۱۳۵۷، ص ۲۲۱). مساواتی آذر در یک بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که ۵۸ درصد از خانواده‌های بزهکاران گرفتار انواع مختلفی از ازهم‌گسیختگی روابط پدر و مادر بوده‌اند در حالی که در گروه غیربزهکاران (کنترل) این میزان فقط ۳۸ درصد بود (مساواتی آذر، ص ۳۱۴). در مطالعه‌ای در امریکا یکی از عوامل اساسی موثر در افزایش میزان بزهکاری نوجوانان، فقدان انسجام خانوادگی اعلام شده است (ماسن پاول و دیگران، ۱۳۶۸) گلچین در پژوهش خود بی‌سازمانی خانواده را در نحوه سازگاری نوجوانان موثر دانسته و معتقد است که این امر به روی آوردن خانواده به سبک‌های اجتماعی کردن غیرسازنده منجر می‌شود (گلچین، ۱۳۷۸) همچنین در این بررسی معلوم شد که رفتارهای نابهنجار نوجوانان با میزان درونی کردن هنجارها ارتباط معنی‌داری دارد به گونه‌ای که هر قدر نوجوانان بتوانند هنجارهای اجتماعی را درونی

کنند رفتار نابهنجار آنها نیز به همان میزان کاهش می‌یابد. از آنجایی که والدین در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان از الگوهای اقتدار، نظارت و انضباط به درجات گوناگونی استفاده می‌کنند و نتایج مطالعه نیز بر این امر صحت گذارده که خانواده‌های بی‌سازمان در بین سایر خانواده‌ها از کمترین میزان اقتدار، انضباط و نظارت برخوردار بوده‌اند. این امر به نوبه خود فرآیند درونی کردن هنجارها در بین نوجوانان را تحت تاثیر قرار داده است میزان درونی کردن هنجارها در بین نوجوانان متعلق به خانواده بی‌سازمان نسبت به سایر خانواده‌ها در سطح پایینی قرار دارد و همین امر میزان پیروی نوجوانان از هنجارهای اجتماعی را کاهش داده و در نهایت بر نابهنجاری رفتاری آنان افزوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیشنهادات مبتنی بر یافته‌های پژوهشی

۱- با توجه به تعداد عوامل اجتماعی کردن و تضاد موجود بین آنها و نیز درگیر بودن خانواده‌ها با مسائل اقتصادی روزمره، والدین به منظور اجتماعی کردن بهنجار فرزندان بایستی از فرصت لازم و کافی برخوردار باشند.

۲- پیشنهاد می‌شود، نهادی خاص مسئولیت بررسی مسائل خانواده‌های بی‌سازمان را بر عهده بگیرد. در جامعه ما به دلیل برخی اقدامات انجام گرفته درهای خروجی خانواده بسته شده و این امر خود به بروز مشکلات دیگری از جمله افزایش اختلافات و درگیری‌های خانوادگی، از بین رفتن انسجام اعضای خانواده و افزایش میزان خشونت در خانواده منجر شده است و سازمان خانواده را مختل نموده است.

۳- والدین باید به نقش الگویی خود توجه داشته باشند و بدانند که آثار رفتار آنها منحصر به زمان حال نمی‌شود؛ نوجوانان در مرحله بلوغ نیاز به والدینی دارند که فشارها را برای آنها کم کند.

۴- والدین به جای تحمیل انضباط و مقررات غیرقابل تحمل، اعمال نظارت‌های بیش از حد لازم و اقتدار مستبدانه به نوجوانان عواقب سوء رفتار آنان را توضیح بدهند و بطور منطقی با مشکلات رفتاری آنها برخورد کنند. استفاده از زور باعث فرمانبرداری کودک از روی ترس می‌شود اما احتمالاً تعهد اخلاقی کودک به قواعد اجتماعی و اخلاقی را کاهش می‌دهد مهمترین عنصر اقتدار والدین، توانایی متقاعد کردن کودک است تا به تعهدات اخلاقی خود عمل کند.

۵- اجتماعی شدن در درون خانواده به دو جهت از اهمیت بیشتری برخوردار است یکی به علت مدت زمان طولانی خود که از مدت زمان آموزش و پرورش رسمی طولانی‌تر است و دیگری به این دلیل که آموزش و پرورش غیررسمی از ابتدا با تجربه‌های فردی کسب می‌شود و به خاطر عدم شکل‌گیری یک «خود» در دوران کودکی، فرد بیشتر یک موجود منفعل است تا فعال. بنابراین والدین باید توجه داشته

رساله‌ها و پژوهش‌ها

احدی حسین (۱۳۶۶). بررسی عوامل موثر در بروز اختلافات رفتاری دانش‌آموزان در سطح کل کشور، تهران، مرکز بررسی مسائل روانی و اجتماعی وابسته به نخست‌وزیری.

آمارنامه آموزش و پرورش استان آذربایجانشرقی (۱۳۸۰). معاونت نیروی انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان.

امانت حمید (۱۳۷۳). بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی.

خدیوی زند محمد مهدی (۱۳۶۵). پژوهشی در ساخت شخصیت و خانواده بزهکار، مشهد، جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.

سخاوات جعفر (۱۳۷۶). زمینه‌یابی ناهنجاری‌های دانش‌آموزان متوسطه تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

سرندی پرویز و گروسی میرتقی (۱۳۷۰). بررسی علل بزهکاری نوجوانان و جوانان در مراکز آموزشی دبیرستانهای تبریز. استانداری آذربایجانشرقی.

گلچین مسعود (۱۳۷۸). قشربندی اجتماعی و تبیین جامعه‌شناختی جریان اجتماعی کردن نوجوانان در خانواده، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

مرجایی. سید هادی (۱۳۷۲). بررسی تأثیرات ضعف فضای کنترلی خانواده، مدرسه و دوستان بر بزهکاری نوجوانان، پایان‌نامه لیسانس دانشگاه تهران دانشکده علوم اجتماعی.

Gale. A and chapman. A, (1989), Psychology and social problems. An Introduction to Applied psychology. New York.

Hennessey, B(1975), public opinion. California: wads woth, publishing company Inc.

*Parsons, T. and Bales.(1955). **Family**. Socialization and Interaciion process. New York. Free press.*

*Smit. Thomas E. (1970), **Funcion of parent Influence upon Adolescents: an Applicaaion of social power Theory**. A.S.R. Vol 35.*

